

حلقه اتصالی یا حقه شیطانی؟

«رسیدن به کمال معنوی»؛ همه فرقه‌های نوظهور هدف خود را اینگونه معرفی کرده و از این طریق شرکت‌کنندگان خود را تشویق می‌کنند. مثلاً برخی در گذشته نظریه‌ای مطرح کردند...



«رسیدن به کمال معنوی»؛ همه فرقه‌های نوظهور هدف خود را اینگونه معرفی کرده و از این طریق شرکت‌کنندگان خود را تشویق می‌کنند. مثلاً برخی در گذشته نظریه‌ای مطرح کردند و مدعی شدند که کارشان شاخه‌ای از درمان‌های مکمل است که نیاز به هیچ‌گونه تجویز خاص یا دارویی ندارد.

در اوایل دهه 80 هم کلاس‌هایی انحرافی با همین عنوان برگزار و هوادارانی را برای خود دست و پا کردند. شروع این دوره‌ها با موفقیت نسبی همراه بود اما بعد از مدتی بسیاری پی به گمراهی این فرقه و دیدگاه‌ها و عقاید ضدالهی‌شان بردند و از این فرقه‌ها به‌طور رسمی اعلام برائت کردند. هم‌اکنون سایت‌ها و انجمن‌هایی به نام «انجمن‌های نجات از عرفان‌های مختلف انحرافی» تشکیل شده که گردانندگان آن خود از شرکت‌کنندگان و پیروان این فرقه‌ها هستند که به حقانیت این فرقه‌ها شک کرده‌اند و بعد از تحقیق‌های دینی و علمی فراوان بطلان عرفان‌های انحرافی برای آنان ثابت شده است؛ هرچند که بسیاری از آنها در این مسیر دچار آسیب‌های متعدد روحی و روانی شده‌اند یا به‌دلیل فعالیت‌های امروز خود مورد تهدید و آسیب طرفداران عرفان‌های انحرافی قرار گرفته‌اند.

«درمان»؛ این بیشترین دلیلی است که افراد برای شرکت در این کلاس‌ها می‌آورند. بسیاری معتقدند که مشکل لاعلاجی داشته‌اند که برای رفع آن به این عرفان‌های انحرافی پناه برده‌اند. آنها هیچ وقت از خود نپرسیده‌اند که سرکردگان این گروه با اینکه هیچ سابقه تحصیلی و آموزشی در زندگی خود ندارند چگونه می‌توانند ادعای درمان کنند و به درمان بیماران بپردازند؟ از طرفی چطور فردی بی‌سواد می‌تواند چنین دم و دستگاهی را برای خودش راه بیندازد و افرادی را درگیر کند و از این طریق پول زیادی به‌دست بیاورد؟ افراد شرکت‌کننده چرا همان ابتدا و با دیدن حرکات غیراخلاقی پی به ضدیت این ماجرا با دین نمی‌برند؟ این گزارش قرار است به شناخت و آسیب‌شناسی عرفان‌های انحرافی از منظر دینی، علمی و روانشناسی بپردازد، به همین دلیل با کارشناسان و پژوهشگران در حوزه فرقه‌های دروغین و عرفان‌های کاذب صحبت کرده‌ایم تا سر از چندوچون این فرقه‌ها و آموزه‌های آنها در بیاوریم.

تناقضات اعتقادی و شخصیتی زیادی دارند

مؤسس یکی از فرقه‌های انحرافی می‌گوید که از سال 57 وارد این حوزه شده اما کلاس‌های غیرقانونی او از سال 83 کلید خورده است. ماجرا را از زبان کارشناس بشنوید: به گفته سرکرده این فرقه، ایشان شبی احساس می‌کند زخم معده‌اش خوب شده و بعد از آن هر سؤال که از جهان داشته پاسخ داده شده است. بعد هم عنوان می‌کند که من مزد اشتیاقم را گرفتم و به روح‌القدس وصل شدم و الهاماتی گرفتم و توانایی‌هایی پیدا کردم و دیگر لزومی ندارد که به دین و قرآن و رساله اصلاً فکر کنم. حالا من به شما می‌گویم چطور امکان دارد به کسی که اصلاً نماز نمی‌خواند و هنوز دنبال این است که خدا هست یا نیست، مزد اشتیاق بدهند؟ ایشان صراحتاً اعلام می‌کند که من یک‌بار هم قرآن نخوانده‌ام. دلیل هم می‌آورد که «اگر قرآن می‌خواندم، مردم می‌گفتند حرف‌هایم را از جایی گرفته‌ام؛ باید معلوم می‌شد که من تمام آگاهی‌هایم را از همان لوح محفوظ گرفته‌ام.» چندانکه به او پیشنهاد دادیم که با علمای حوزه علمیه مباحثه کند. گفت قبلش باید سؤال‌هایشان را بفرستند. گفتیم تو که می‌گویی به لوح محفوظ متصلی، هر سؤال که پرسیدند تو از این طریق جواب بده. اما هیچ وقت این کار را نکرد. مؤسس این فرقه انحرافی در سال 90 دستگیر شد. او خیلی دوست داشت در این مدت حداقل یک سیلی بخورد که بگوید اینجا مرا شکنجه می‌دهند. روزی که قرار بود برای تست‌هوش به بیمارستان برود با قاشق غذاخوری دستش را زخمی کرده بود تا در آنجا ادعا کند شکنجه شده، بدون اینکه حواسش به این باشد که دوربین بالای سرش تمام این اتفاقات را ضبط می‌کند.

تمامی این فرقه‌ها و فرقه‌های مشابه فساد اخلاقی دارند

سرکرده یکی از این فرقه‌ها در خیلی از کلاس‌هایش رسماً عنوان کرده که اعتقادی به روزه و خمس و زکات ندارد. حتی در فرقه‌اش به افراد شرکت‌کننده گفته می‌شود که چون یکسری از شاخص‌های معرفتی را ندارند و نمازشان دارای کیفیتی که باید باشد نیست، به اصطلاح ترمز دستی نماز برای آنها کشیده شده است و دیگر نیازی نیست نماز بخوانند! به عبارتی، شما اگر عرفان‌تان بالا باشد، به نماز احتیاج ندارید و اگر کیفیت نمازتان پایین باشد هم، باز نباید نماز بخوانید. اما بزرگ‌ترین معضلی که این گروه‌ها دارند مشکلات اخلاقی فراوان افراد درون عرفان‌های انحرافی است که نشانه‌های آن در فیلم‌هایی که از آنها منتشر

شده به خوبی دیده می‌شود. مثلاً در یکی از آنها که در فرقه مشابه دیگری بود، 20 زن و مرد در اتاق هستند. مربی 12 سیب را به کلاس می‌آورد و 20 دقیقه زمان می‌دهد تا هرکس یک سیب برای خودش بردارد و می‌گوید اگر کسی نتواند گلیم خودش را بیرون بکشد به درد این کلاس‌ها نمی‌خورد. هرج و مرج و درگیری بین زن و مرد برای گرفتن سیب آغاز می‌شود. بعد از 20 دقیقه، 8 نفری که سیب ندارند گریه می‌کنند و می‌خواهند که در کلاس بمانند. مربی یکی از خانم‌هایی که سیب ندارد را جلوی آقایی که سیب دارد می‌نشانند و از او درخواست می‌کند که به آقا فحش بدهد. خانم می‌گوید که اهل فحش دادن نیست اما نهایتاً مجبور می‌شود فحشی بدهد. مربی عصبانی می‌شود و می‌گوید: «پاشو از کلاس برو بیرون، این فحشه که تو میدی؟» با همین رفتارها، این زن و مرد بعد از چند دقیقه رکیک‌ترین فحاشی را نسبت به هم انجام می‌دهند. در نمونه‌ای دیگر، از خانمی درخواست می‌شود که نقش یک زن خیابانی را بازی کند. بعد یکی از شرکت‌کنندگان آقا باید دنبال این خانم راه بیفتد و خواهان رابطه با او شود. اینها نشانه بیماری‌های اخلاقی افراد این فرقه است که از این طریق خودشان را ارضا می‌کنند. حتی اینها خانه‌های تیمی مختلطی دارند که باهم زندگی می‌کنند. البته از این بدتر هم وجود دارد که قابل بیان نیست.

القای درمانگری دارند، درمان نمی‌کنند

مؤسس یکی از فرقه‌های انحرافی ادعای درمانگری داشت. این موضوع یکی از مهم‌ترین دلایل برای شرکت در کلاس‌های این عرفان‌های انحرافی است. بیشتر شرکت‌کنندگانی که پا به این کلاس‌ها گذاشته‌اند افرادی هستند که بیماری لاعلاجی دارند و در جست‌وجوی شفا هستند. تبلیغات این گروه‌ها آنقدر گسترده است که در فضای مجازی فیلم‌های زیادی از درمان‌های عجیب و غریب مؤسس فرقه انحرافی منتشر شده است که به گفته خیلی از کارشناسان جز یک نمایش تبلیغاتی چیز دیگری نیست. او ادعا می‌کند که افراد را اتصال می‌دهد و از این طریق می‌تواند درمان‌شان کند یا اینکه اجنه‌ای را که در افراد رسوخ کرده‌اند از تن‌شان بیرون می‌کند. در یک فیلم، خانمی حالت‌های غیرطبیعی دارد. رئیس دست او را می‌گیرد و بالا و پایین می‌کند. آن وقت جن شرور می‌گوید: «مهندس جام خوبه دیگه، مهندس بذار باشم. داریم حال می‌کنیم دیگه!» البته ممکن است فکر کنید که این حرف‌ها و فیلم‌ها طنز است اما بعضی‌ها همین چیزها را باور می‌کنند. اصلاً جن اگر جن است، حداقل باید بداند که این آقا اصلاً مهندس نیست. یکسری القائات عجیب دارند که مثلاً می‌گویند به امضای فلانی خیره شوید اثراتی دارد. این القاهای مردم را دچار توهمات می‌کند. طوری القا می‌کنند که انگار بیماری شما را ما درمان کرده‌ایم در صورتی که طرف همزمان با این کلاس‌ها هنوز داروهایی که برایش تجویز شده بود را مصرف می‌کرده اما فکر می‌کند بهبودی‌اش بر اثر جلسات است.

واکاوی برخی عرفان‌های انحرافی از زبان حجت‌الاسلام طائب

راهشان راه شیطان است

اعتقادات و چارچوب‌های عرفان‌های انحرافی نه تنها با اسلام بلکه با کلیه مذهب‌های الهی مغایرت دارد. این در حالی است که متأسفانه بسیاری از دوره‌های این فرقه‌های ضاله با پوشش‌های مختلفی از قبیل جلسات تفسیر و خداشناسی برگزار و این عرفان، عرفانی الهی بیان می‌شود. حجت‌الاسلام مهدی طائب - پژوهشگر دینی و تاریخ شناس اسلامی - اطلاعات جامعی از عرفان‌های نوظهور انحرافی دارد.

1- نشان دادن راه‌های کوتاه

موفقیت فرقه‌های انحرافی به 2 قشر از افراد مربوط می‌شود؛ گروه اول کسانی که معضلاتی در زندگی دارند و برای حل آنها، مسیرهای طبیعی را طولانی می‌بینند، صبور نیستند و دنبال راه‌های کوتاه می‌گردند. عده‌ای هم وجود دارند که همیشه دنبال بهترین‌ها هستند و به جای اینکه مسیر طبیعی آن را طی کنند آنها هم دنبال راه‌های کوتاه هستند. این دو گروه بازی فرقه‌ها را می‌خورند. صاحبان فرقه هم از همین غفلت مخاطبین استفاده می‌کنند و راه‌های کوتاه ارائه می‌دهند مانند شیطان. وقتی کسی دردش را با این فرقه‌ها مطرح می‌کند، می‌گویند بیا درمان داریم. او هم دنبال‌شان راه می‌افتد و آنها با القائاتشان روی طرف تأثیر می‌گذارند. با خودش می‌گوید حتماً من بهتر شده‌ام و جلسه به جلسه پول پرداخت می‌کند و مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد.

2- تسخیر تخیل‌ها

همانطور که قرص‌های روانگردان بر مخیله افراد تأثیر می‌گذارند، اینها هم تخیل طرف مقابلشان را تسخیر می‌کنند. بعضی از آنها کتب علوم غریبه و حتی جادو را مطالعه کرده‌اند و از آنها یکسری کلمات به دست آورده‌اند. در طول تاریخ اثبات شده کسانی که دنبال سحر و جادو می‌رفته‌اند عمدتاً از بی‌سوادان بوده‌اند. بالاخره سحر و جادو یکسری اثرها دارد و نمی‌شود انکار کرد ولی در آخر همگی تخریبی هستند و به همین دلیل است که اسلام آن را منع کرده‌است. در طول تاریخ فرقه‌های زیادی ظهور کرده‌اند و بعدها معلوم شده که کسانی که دلداده آنها شده‌اند چه خسارت‌های بزرگی دیده‌اند. پس اگر بازی این فرقه‌ها را بخوریم از بی‌مطالعه‌گی ماست.

3- دنبال راه‌های غیرطبیعی نروید

بسیاری از افراد برون‌ریزی‌هایی دارند که بعد از جدایی از این فرقه‌ها هنوز با آنها مانده‌است. گرچه این موضوع یک‌جوریهایی مجازات راه اشتباهی است که رفته‌اند، با این حال برای درمان دوباره سراغ کار غیرطبیعی نروند. به خدا پناه ببرند، به پزشکان و متخصصان رجوع کنند. صدقه زیاد بدهند و حتی نماز جعفر طیار نیز به آنها توصیه می‌شود. این شاید عقوبت مسیر اشتباه‌شان بوده‌است اما نباید ناامید شوند. به خدا توکل کنند و توبه کنند. راه بازگشت همیشه باز است.